

تحلیل «عفو» و «گذشت از دیگران» در اخلاق نقلی با تأکید بر مسئولیت‌پذیری اخلاقی

محمدامین خوانساری

khansari.m@riqh.ac.ir

استادیار پژوهشگاه قرآن و حدیث.

چکیده	اطلاعات مقاله
آموزه‌های اخلاق اسلامی بر پایه قرآن و سنت، اصولی همچون عفو، گذشت و صفح را برای استحکام پیوندهای اجتماعی توصیه کرده‌اند. این پژوهش با هدف تحلیل اخلاقی جایگاه عفو در اخلاق نقلی و با تمرکز بر مفهوم «مسئولیت‌پذیری اخلاقی» آن صورت گرفته است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده است و داده‌ها با استناد به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و با بهره‌گیری از چهارچوب‌های هنجاری مطرح در فلسفه اخلاق بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که عفو در اخلاق اسلامی مطلق و بی‌قید نیست، بلکه متناسب با نوع رابطه و سطح کنش، مواضع و پیامدهای متفاوت دارد. مسئولیت‌پذیری اخلاقی در برابر مسائل اجتماعی، بسته به مواردی از جمله نوع انگیزه و شدت مخالفت، متفاوت است. در نگاه اخلاق نقلی، باید میان «عفو فردی» (ناظر به حق النفس) و «عفو حاکمیتی/اجتماعی» (ناظر به مصالح عامه) تمایز گذاشت. در تعارض این دو سطح، اولویت با مصلحت جمعی و عدالت است. دلایل هنجاری تکلیف به عفو نیز چندبُعدی است؛ گاه مبتنی بر مصلحت‌اندیشی نتیجه‌گرایانه (مانند تحکیم اخوت و ایجاد همزیستی) است، گاه ریشه در وظیفه‌گرایی دینی و حقوق دیگران دارد و گاه بر پرورش فضیلت‌های نفسانی استوار است.	نوع مقاله علمی - پژوهشی صفحه (۲۸-۴) دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۶
اخلاق اسلامی، اخلاق نقلی، قرآن و حدیث، مسئولیت، عفو، گذشت.	کلیدواژه‌ها

روابط انسان‌ها همواره در معرض تنش‌ها، تخلفات و تعارضات قرار دارند. در زندگی روزمره، انسان‌ها یک سری نقش‌ها، تکلیف‌ها و مسئولیت‌هایی به‌ویژه در قبال یکدیگر دارند. آموزه‌هایی چون عفو و گذشت، در سطح میان‌فردی روابط انسان‌ها، به کاهش تنش‌های شخصی کمک می‌کنند. اخلاق نقلی مبتنی بر قرآن و حدیث بر آموزه‌هایی مانند عفو، بخشایش و گذشت در روابط میان‌فردی انسان‌ها تأکید دارد؛ زیرا به دنبال تنش‌زدایی و آسیب‌زدایی در روابط میان انسان‌ها و نیز در پی استحکام پیوندهای اجتماعی است.

در این اخلاق، می‌توان تصویری مبتنی بر مسئولیت‌پذیری اخلاقی ارائه کرد که رابطه میان عامل و دیگران را آسیب‌زدایی کرده، مستحکم می‌سازد. در این نگاه، عفو و گذشت، به مثابه وظیفه‌هایی ضروری در روابط انسانی به‌شمار می‌روند؛ اما وظایف و مسئولیت‌هایی مطلق و بی‌قید نیستند، بلکه قلمرو و کارکرد آن‌ها به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ زیرا براساس آموزه‌های اخلاقی قرآن و حدیث، تمایزاتی بنیادین میان «روابط مؤمنان با یکدیگر» و «مناسبات و تعامل آن‌ها با دیگرانی مانند منافقان و کافران» وجود دارد. هر یک از این‌ها، احکام و هنجارهای خاص خود را دارند. در روابط میان مؤمنان، عفو و گذشت، برای تحکیم اخوت ایمانی توصیه شده است. در برابر کافران غیرمحراب یا اهل کتاب، باید به دنبال زمینه‌سازی و همزیستی مسالمت‌آمیز بود؛ اما در مواجهه با منافقان یا کافران محارب، آموزه‌های قرآن بر صلابت و ایستادگی تأکید می‌کنند. از این رو، تحلیل اخلاقی عفو و گذشت از دیگران باید در چهارچوب روابط انسان‌ها و مخاطبان بررسی شود. بدین سان در اخلاق نقلی، این‌ها مفاهیمی فردی یا فضیلتی شخصی نیستند، بلکه در سطح روابط انسان‌ها با یکدیگر مطرح می‌شوند. این روابط گاهی بینافردی است و گاهی در سطح اجتماعی و گاهی در سطح کلان حاکمیتی است؛ هرچند که تأکید پژوهش حاضر، بیشتر بر روابط میان‌فردی است.

در این پژوهش می‌کوشیم تا ضمن ارائه تبیین اخلاقی از عفو، به این پرسش‌ها بپردازیم

که عفو و گذشت از دیگران در چه شرایطی و روابطی، به مثابه تکلیف و مسئولیت اخلاقی الزام آور تلقی می شود؛ تحت چه روابط و شرایطی، تقویت شده یا محدودیت پیدا می کند؛ معیارها و دلایل هنجاری مسئولیت عفو در منظومه قرآن و حدیث چیست؟

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است و داده ها با استناد به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) و با بهره گیری از چهارچوب های هنجاری مطرح در فلسفه اخلاق بررسی شده اند. اخلاق نقلی در اینجا به گزاره های اخلاقی قرآن و حدیث اشاره دارند. بنابراین در پژوهش پیش رو، قرآن کریم به مثابه متن اساسی و بنیادین نظام اخلاق اسلامی، و روایات در جایگاه تبیین و بسط دیدگاه قرآنی مورد استناد قرار گرفته اند. با این حال، به واسطه گستردگی، تحلیل مستقلی از روایات و سیره نبوی و اهل بیت (علیهم السلام) در قالب پژوهشی جداگانه می تواند ابعاد مختلف عملی، تربیتی و تاریخی این مفاهیم را بیشتر روشن کند که هریک پژوهش های دیگری را می طلبند.

در پژوهش های هنجاری اخلاقی درباره تبیین دلایل هنجاری، سه رویکرد وجود دارد: «نتیجه گرایی»^۱ که درستی فعل را بر اساس نتایج و پیامدهای آن می سنجد؛ «وظیفه گرایی»^۲ که درستی عمل را به دلیل انطباق با اصول و وظایف اخلاقی ذاتی می داند؛ «فضیلت گرایی»^۳ که بر شکل گیری ملکات اخلاقی و شخصیت فضیلت مند تأکید می کند (بنگرید به: فرانکنا، ۱۳۸۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۷). این چهارچوب ها تنها نظریه هایی در فلسفه اخلاق غرب نیستند، بلکه چهارچوب هایی نظری در حوزه اخلاق می باشند که در تحلیل نظام های اخلاقی دینی نیز به کار می آیند؛ زیرا امکان می دهند تا آموزه های اخلاقی را در یک چهارچوب و سطح بندی غایت شناختی، تکلیف محور و شخصیت محور واکاوی کنیم. پژوهش حاضر با بهره گیری از این سه رویکرد هنجاری، به تحلیل اخلاق عفو و گذشت از دیگران در منظومه قرآن و حدیث می پردازد. این رویکردها، امکان تحلیل نظام مند و چندلایه ای از مسئولیت پذیری اخلاقی را در مواجهه با تعارضات

1. Consequentialism.
2. Deontology.
3. Virtue Ethics.

فراهم می‌آورند و نوآوری نظری این پژوهش را شکل می‌دهند.

پیشینه ادبیات مفهومی و پژوهش‌های مرتبط

«عفو» با دیگر مفاهیم اخلاقی؛ مانند صفح، رفق و مدارا، شبکه معنایی اخلاقی خاصی را شکل می‌دهند. «عفو» به معنای صرف نظر کردن از مجازات یا بازخواست به رغم داشتن حق آن است که معمولاً پس از توبه یا عذرخواهی صورت می‌گیرد و نیازمند آگاهی خطاکار از قبح عمل خویش است. عفو از صفات درونی انسان، مانند احسان، حلم و غفران سرچشمه می‌گیرد. مفاهیم دیگری نیز در قرآن کریم آمده که مرتبط با عفو است؛ از جمله «صفح» که گذشتی کامل‌تر از عفو بوده، ترک سرزنش و ملامت و حتی بدون عذرخواهی رسمی را نیز شامل می‌شود. به عبارت دیگر، عفو به معنای صرف نظر از مجازات است؛ اما صفح به معنای «روی گرداندن از خطا با چهره‌ای گشاده» است. این تعبیر در آیاتی مانند «فَاَصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر/ ۸۵) آمده است. کلمه «اغماض» نیز تنها یک بار در آیه ۲۶۷ سوره بقره آمده و به معنای چشم‌پوشی آگاهانه از خطا، گاه از روی محبت یا حتی خوف است. در زبان فارسی می‌توان کلماتی مانند گذشت و بخشایش را شامل این مفاهیم دانست (بنگرید به: نوروزی اقبالی و سعیدی، ۱۴۰۴: ۲۲۹-۲۳۱). مفاهیمی مانند مدارا و رفق نیز مفاهیمی نزدیک به عفو و صفح می‌باشند. مدارا به معنای نرمش و ملاطفت و تحمل در تعامل با دیگران، حتی در مواجهه با مخالفت یا خطای دیگران است. رفق نیز به معنای نرمی و ملایمت با دیگران است و می‌تواند یکی از ابزارهای تحقق مدارا باشد؛ اما تفاوت‌های معنایی با یکدیگر دارند؛ زیرا مدارا بیشتر یک رویکرد رفتاری پیشگیرانه است، در حالی که عفو و صفح، واکنش‌هایی پس از وقوع خطا می‌باشند.

در متون کلاسیک اخلاق اسلامی، مفاهیمی مانند عفو همواره مورد توجه بوده‌اند. غزالی در *إحياء علوم الدین* و فیض کاشانی در *المحجة البيضاء*، تحلیل یکسانی در فضیلت عفو دارند. عفو در مقابل رذیلت، کینه و خشم است. عفو عبارت است از اینکه فرد، استحقاق حقی را داشته باشد (مانند قصاص یا غرامت)، ولی از آن بگذرد. مدارا و رفق هم امری ستوده است که مخالف آن، خسونت است. خسونت نتیجه خشم و بدخویی و مدارا و

نرمش نتیجه خوش‌خویی و سلامتی است. عامل بدرفتاری، گاه خشم و گاه حرص زیاد است (غزالی، بی تا: ۱۱۹/۹-۱۲۱). نراقیین نیز در جامع السعادات و معراج السعاده، رویکردی فضیلت‌گرایانه به عفو و مدارا دارند. عفو و بخشایش، ضد انتقام است. مدارا نیز نزدیک به رفق است، با این فرق که برخلاف رفق، تحمل اذیت و آزار دیگران در مدارا وجود دارد (نراقی، ۱۳۷۸: ۲۴۷-۲۵۱؛ نراقی، بی تا: ۱/۳۳۷-۳۴۱).

تحقیقات معاصر درباره مسئله عفو نیز بیشتر بر جنبه‌های تفسیری و روایی، اخلاقی و تربیتی عفو تمرکز دارند. در ادامه، گزارشی از برخی مقالات ارائه می‌شود.

مقاله «تحلیلی درباره عفو الهی از پیامبر بر محور آیه ۴۳ سوره توبه» (طیب حسینی و مشک مسجدی، ۱۳۹۴) بر تفسیر قرآنی عفو تمرکز دارد، ولی فاقد بررسی اخلاقی در حوزه مسئولیت است. همچنین مقاله «بررسی تفسیری آیات عفو و صفح از اهل کتاب» (غفارزاده، ۱۳۹۳) تنها با رویکرد تفسیری و تاریخی، به بررسی آیات مرتبط با عفو و صفح (گذشت) در برابر اهل کتاب پرداخته است، برخلاف پژوهش حاضر که با رویکرد اخلاقی به روابط میان گروهی در قرآن و حدیث خواهد پرداخت. مقاله «ساختار معنایی واژه قرآنی «عفو» با تکیه بر اشتقاق کبیر» (حیدری‌راد، ۱۳۹۸) به بررسی واژه‌شناسی قرآنی تمرکز دارد. مقاله «تبیینی از کارکرد تربیتی توبه و عفو محکوم از دیدگاه روایات اسلامی» (نصیری و همکاران، ۱۴۰۴) با بررسی نقش تربیتی توبه و عفو در روایات اسلامی و با تمرکز بر اصلاح محکومان و تأثیر آن بر جامعه، بر جنبه‌های اصلاحی عفو تأکید دارد. مقاله «اصول تربیتی عفو و تغافل در سیره و اندیشه تربیتی امام سجاد (علیه السلام)» (حسین، ۱۳۹۸) با تمرکز بر جنبه‌های تربیتی و اخلاقی در روابط فردی به سیره امام سجاد (علیه السلام) پرداخته، مباحث قرآنی و روایی دیگر مدنظر نیست. در مقاله‌ای با عنوان «شبکه معنایی مفاهیم اخلاقی اغماض، عفو و صفح در قرآن» (نوروزی اقبالی و سعیدی، ۱۴۰۴) با روش معناشناسی ایزوتسو به تحلیل و تفکیک مفاهیم «عفو»، «صفح» و «اغماض» در قرآن پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از این مفاهیم دارای جایگاه معنایی متمایزی بوده، بر اساس مؤلفه‌هایی مانند شرایط وقوع، منشأ و پیامدهای اخلاقی از یکدیگر تفکیک می‌شوند. این

مقاله تنها به تحلیل معناشناختی و تفکیک مفاهیم در سطح واژگانی متمرکز است. وجه تمایز مقاله حاضر این است که مقالات یادشده بیشتر بر جنبه‌های تربیتی، تفسیری و روایی عفو تمرکز دارند و کمتر به تحلیل هنجاری و تمایز مسئولیت‌پذیری در روابط مختلف یا دلایل چندلایه (فضیلت‌گرایانه، نتیجه‌گرایانه و وظیفه‌گرایانه) پرداخته‌اند. این تمایزها، ضرورت پژوهش فعلی را برجسته می‌کنند، که به دنبال تدوین چهارچوبی مسئولیت‌محور برای عفو در منظومه قرآن و حدیث است. بنابراین اگرچه مفاهیمی مانند عفو به صورت پراکنده مورد بحث قرار گرفته‌اند، پژوهش جامعی که تحلیلی اخلاقی و هنجارین از آن‌ها با استناد به منابع قرآن و حدیث ارائه دهد، ضرورت دارد. مراد از این تحلیل آن است که در اینجا به دنبال توصیف تاریخی یا جامعه‌شناختی نیستیم، بلکه به ارزش‌گذاری‌ها و الزام‌های رفتاری آموزه‌های اخلاقی قرآن و حدیث از مفاهیمی مانند عفو و مدارا خواهیم پرداخت و هنجارهای ناظر بر آن‌ها را تحلیل می‌کنیم.

۱. مسئولیت‌پذیری مبتنی بر عفو

از منظر اخلاق اسلامی، اصل اولیه بر پرهیز از اختلافات در روابط میان یکدیگر است و اینکه باید مهربانانه و مشفقانه رفتار کرد، ولی در مقابله با کافران و منافقان باید برخورد سخت و شدید داشت. در آیه ذیل به این نکته تصریح شده است:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...﴾ (فتح/۲۹)

در اینجا دوگونه از مسئولیت را می‌توان تصور کرد؛ مسئولیت ایجابی و مسئولیت سلبی. مؤمنان هم مسئولیت ایجابی نسبت به مضامینی مانند ائتلاف، اتحاد، صلح و گذشت از دیگران دارند و هم مسئولیت سلبی و پرهیز از هرگونه تنش، اختلاف، تفرقه و فتنه.

آیات مختلف قرآن کریم از جمله در سوره‌های آل عمران و انفال بر این نکته تأکید دارند:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا...﴾ (آل عمران / ۱۰۳)

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾
(آل عمران / ۱۰۵)

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾
(انفال / ۴۶)

پرسشی که در اینجا دربارهٔ مسئولیت عفو می‌توان مطرح کرد، این است که آیا انسان باید در همهٔ موقعیت‌های اخلاقی و نسبت به همهٔ افراد، عفو و گذشت را پیشه کند و مسئولیت دفع بدی با خوبی دارد یا اینکه در مواردی هم مسئولیت اخلاقی، اقتضای دفع بدی با بدی دارد؟ توضیح اینکه میان «دفع» با «رفع» تمایز است؛ به طور مثال، اینکه انسان در مقابل دیگران نیکی کند، به این می‌انجامد که فرصت بدی در جامعه کمرنگ شود. این دفع است. در دفع، فرد به دنبال پیشگیری است، ولی در «رفع» به دنبال زدودن و حلّ مشکلی است که ایجاد شده است. در اینجا مسئله‌ای که مطرح می‌شود، این است که آیا اصل، «دفع بدی با خوبی» است یا «دفع بدی به بدی»؟

پاسخ به این مسئله، پیچیدگی‌های خودش را دارد و باید تمایزها و تفکیک‌های گوناگونی قائل شد. این مسئله در موقعیت‌های مختلف، تفاوت می‌کند. اولاً، باید محاسبه و پرسشگری داشت که آیا عفو و گذشت به ایجاد آسیب یا شرّ بیشتری می‌انجامد یا خیر؟ مانند اینکه فرد بزه‌کار، به اصطلاح جری شود، یا فرد بزه‌دیده، تشفی خاطر برایش حاصل نشود و از حقش نگذرد و آن را مطالبه کند، یا اینکه بخشایش، موجب بی‌پروایی دیگری در موقعیت‌های دیگر شود. ثانیاً، در تعارض میان مصلحت شخصی با مصلحت عمومی، اولویت با مصالح عمومی و اجتماعی است. مواردی هست که مصلحت اجتماعی اقتضای انتقام از فرد بزه‌کار را دارد؛ مانند اینکه مصلحت کل‌گرایانه و حاکمیتی باشد و نادیده گرفتن بزه فرد به ایجاد بزه‌کاری بزرگ‌تری در جامعه می‌انجامد و حریم بزرگی از بین می‌رود. ثالثاً، باید شاخصه‌ها و معیارهایی داشت که بر اساس آن‌ها، محدودیت‌های عفو را سنجید. در سطح فردی، عفو هنگامی محدود می‌شود که به «تجزّی خطاکار»، «آسیب و شر به مظلوم» یا «تضییع حقّ جبران‌ناپذیر» بینجامد؛ در سطح اجتماعی نیز اگر عفو

باعث «گسترش ظلم و ازبین بردن عدالت» یا «تضعیف ارزش‌های بنیادین دینی (ثلم فی الدین)» شود، ممنوع یا مشروط می‌شود.

بر همین اساس، در اخلاق اسلامی، مسئولیت‌پذیری انسان در قبال عفو و گذشت دیگران مطلق نیست، بلکه مقید است. مواردی وجود دارد که عفو و گذشت، نابجا دانسته و مذمت شده است؛ مانند اینکه عفو و گذشت از افراد فرومایه، موجب تباهی است: (الْعَفْوُ يُفْسِدُ مِنَ اللَّئِيمِ...)¹، یا توصیه به گذشت از دیگران، مشروط به این است که به دین لطمه‌ای نزنند یا ضعفی پدید نیاورد: (... ما لم یکن ثلماً فی الدِّینِ أو وهناً فی سلطانِ الإسلام)². همچنین در روایات مستند به آیات قرآن کریم آمده است که اگر کسی به انسان بدی کرد، حق عفو و بخشایش وجود دارد، ولی اگر دانستی که گذشت از او زیان بار است، باید انتقام گرفت: (وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّ الْعَفْوَ عَنْهُ یُضُرُّ...)³.

بنابراین در حوزه اخلاق اجتماعی نمی‌توان تنها به اصولی مانند عفو و گذشت بسنده کرد، بلکه باید در کنار اصول دیگری لحاظ شود. بدین سان، اصول و فضایل اخلاقی مانند عفو، رفق، مدارا، صلح، نرمش و سازش در همه موقعیت‌های اخلاقی پسندیده نیستند. به همین سبب، در مقابل آیاتی که توصیه به گذشت دارند، آیاتی هم بیان شده که به

۱. امام علی (علیه السلام): «الْعَفْوُ یُفْسِدُ مِنَ اللَّئِيمِ بِقَدْرِ إِصْلَاحِهِ مِنَ الْکَرِیمِ» (کراجکی، ۱۴۱۰: ۱۸۲/۲؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۴۶۶/۷)؛ گذشت به همان اندازه که شخص بزرگوار را درست می‌کند، شخص فرومایه را تباه می‌گرداند.

۲. امام علی (علیه السلام): «جَازَ بِالْحَسَنَةِ وَتَجَاوَزَ عَنِ السَّيِّئَةِ مَا لَمْ یَکُنْ ثَلَمًا فِی الدِّینِ أَوْ وَهْنًا فِی سُلْطَانِ الْإِسْلَامِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۴۱؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۴۶۶/۷)؛ [بدی یا خوبی را] به نیکی پاداش ده و از بدی درگذر، به شرط آنکه به دین لطمه‌ای نزنند یا در قدرت اسلام ضعفی پدید نیاورد.

۳. امام زین العابدین (علیه السلام): «حَقُّ مَنْ أَسَاءَكَ أَنْ تَعْفُو عَنْهُ، وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّ الْعَفْوَ عَنْهُ یُضُرُّ انْتَصَرْتَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿وَلَمَنْ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ﴾» (شوری/۴۱)؛ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۷۰/۲؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۴۶۶/۷)؛ حق کسی که به تو بدی کند، این است که از او درگذری، ولی اگر دانستی که گذشت از او زیان بار است، آن‌گاه انتقام بگیر. خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «بر کسانی که پس از ستمی که بر آن‌ها رفته باشد انتقام می‌گیرند، ملامتی نیست».

«دفع بدی با بدی» یا «پاسخ متقابل به متجاوز» توصیه می‌کنند؛ مانند آیه «فَمَنْ عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ يَمْلِكُ مَا عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» (بقره/ ۱۹۴)، یا «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا» (شوری/ ۴۰)، هرچند که در ادامه هم به صلح و عفو توصیه شده و آن را بهتر دانسته است: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شوری/ ۴۰). بی‌گمان عفو و گذشت از کسی که قدرت انتقام دارد، بهتر است و جزای الهی را دارد. البته همان‌طور که در آیه ذکر شده است، نباید به عفو از بدی دیگران بسنده کرد و این کافی نیست، بلکه مسئولیت اصلاح وی را دارد: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ». بنابراین نباید به عفو فرد متجاوز و خلافکار بسنده کرد، بلکه در صورتی که قصد انتقام نیست، باید او را اصلاح کرد؛ زیرا باید به دنبال ازبین بردن ظلم بود و تشویق به عفو و اصلاح، برای دفاع از ظالم و منافی یا سازش با وی نیست: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ».

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که در اخلاق اسلامی، گذشت و عفو در تعامل با دیگران باید مبتنی بر دوری از شر و دعوت به خیر باشد؛ اما آن‌ها اصولی مطلق و بدون مرز نیستند. تمایز میان مواردی که عفو و گذشت مصلحت‌آمیز است با مواردی که به ظلم و تکرار آن دامن می‌زند، امری ضروری و در چهارچوب عقلانیت دینی است. همچنین در اخلاق نقلی تصریح شده است که انسان‌های مؤمن باید با یکدیگر، مهربانی و عفو پیشه کنند؛ اما در مقابله با کافران باید برخورد سخت و شدید داشته باشند. اخلاق پیچیدگی‌های بسیاری دارد که در موقعیت‌های مختلف باید بدان التفات داشت. در مواردی عفو ناپسند و حتی مذموم است و انسان باید مقابله به مثل کند. نقطه تعادل اخلاقی، در عفو توأم با اصلاح، و مدارا مشروط به پیشگیری از شر است. در موقعیت‌هایی، صرف اینکه انسان دیگران را ببخشاید یا عفو نماید، کافی نیست، بلکه وظیفه اصلاح‌گری دارد. آنچه در این بخش درباره «دفع بدی با نیکی» در مقابل «دفع بدی با بدی» مطرح شد، نشان می‌دهد که در اخلاق اسلامی، رویکردی تک‌بعدی وجود ندارد، بلکه مسئولیت‌هایی متناسب است. این سنگ بنایی برای این بحث خواهد بود که مسئولیت عفو در مواجهه با انواع انگیزه‌ها، مخالفت‌ها و روابط، به صورتی تناسبی به کار رود.

۲. مسئولیت‌پذیری تفکیکی در مواجهه با انگیزه‌های مختلف

از پیامبران الهی گرفته تا مصلحان و اندیشمندان، همواره با گروه‌های مختلفی مواجهه داشته‌اند که آن‌ها طیف واحدی نبوده‌اند و همیشه خاستگاه و انگیزه‌ای یکسان نداشته‌اند. گاه جهل و نادانی، گاه حسادت و منافع شخصی، گاه شک و تردیدهای فکری، و گاه دشمنی آگاهانه و سازمان‌یافته، سرچشمه و انگیزه برخی مخالفت‌ها بوده‌اند. قرآن کریم در مواجهه با این طیف متنوع از مخالفان، واکنش یکسانی توصیه نمی‌کند، بلکه نوع مواجهه را متناسب با انگیزه مخالفت و عمق آن تنظیم می‌نماید؛ چنان‌که گاه بر چشم‌پوشی، حلم و صبر تأکید می‌شود و گاه به قاطعیت، فاصله‌گذاری و حتی مقابله سخت‌گیرانه فرمان می‌دهد. این امر نشان‌دهنده نگاه دقیق، تربیتی و مرحله‌بندی شده قرآن به بخشایش و گذشت از دیگران در روابط اجتماعی و مواجهه با انحراف است. آیات قرآن کریم توصیه‌های مختلفی در برخورد با دیگرانی دارند که به شکلی با انسان مخالفت می‌کنند. براین اساس انسان مسئولیت دارد که با هر یک از این افراد، به گونه‌ای متفاوت عمل کند. قرآن کریم با ارائه طبقه‌بندی شش‌گانه مخالفت‌ها، مسئولیت اخلاقی متفاوتی برای هرگونه تعارض تعریف می‌کند. این نشان می‌دهد که اسلام نه به خشونت مطلق معتقد است و نه به تسامح بی‌قید، بلکه پاسخ‌های متناسب با انگیزه و شدت مخالفت را تجویز می‌کند.

یک. مسئولیت‌مهرورزی در مواجهه با مخالفت ناشی از جهل

از جمله نخستین و رایج‌ترین علل اختلاف انسان‌ها، نادانی و بی‌اطلاعی از حقیقت است. افرادی به سبب جهل و نادانی در برابر حق قرار می‌گیرند و دشمنی می‌کنند. افراد جاهل، بدون درک عمیق و از سر تعصب یا سطحی‌نگری، در برابر دعوت الهی موضع‌گیری می‌کنند. قرآن کریم در مواجهه با این‌گونه افراد بر صبر، حلم، گذشت و گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز، ابراز محبت و برخورد احسن با آن‌ها تأکید دارد:

﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ (فرقان/ ۶۳)؛ و هنگامی که نادانان ایشان را (به)

سخنی ناروا) مخاطب سازند، سخنی مسالمت‌آمیز یا سلام گویند.

﴿وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ (فرقان/ ۷۲)؛ و چون بر بیهوده و ناپسند بگذرند، با بزرگواری بگذرند.

بر این اساس می‌توان گفت که در مواجهه با افراد جاهل و نادان، انسان باید بزرگوارانه رفتار کند. این گونه برخورد با جاهل، به معنای تأیید جهل نیست، بلکه به مثابه مسئولیتی است که هدف نهایی آن، هدایت فرد از طریق الگوسازی اخلاقی است. این مسئولیت زمانی موجه است که جهل، غیرعمدی و ناشی از فقدان امکان شناخت باشد؛ اما اگر جهل به عناد تبدیل شود، مسئولیت اخلاقی انسان نیز تغییر می‌کند.

دو. مسئولیت استدلال در مواجهه با مخالفت مبتنی بر شک

نوع دیگری از مخالفت‌ها، برخاسته از شک و تردید نسبت به اصول بنیادین است. قرآن در مواجهه با این گروه، به بحث عقلانی و رفع شبهات فرمان داده است تا شک‌زدایی جایگزین لجاجت شود. باید با آنان از طریق استدلال و برطرف کردن شبهات رفتار کرد؛ مانند شک درباره خداوند: ﴿أَفَى اللَّهِ شَكٌّ...﴾ (ابراهیم/ ۱۰)، یا شک و تردید درباره قیامت و رستاخیز: ﴿إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبُعْثِ...﴾ (حج/ ۵)، یا تردید درباره نزول وحی و کتب آسمانی بر پیامبر اکرم ﷺ: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا...﴾ (بقره/ ۲۳).

در این موارد، مسئولیت در اقامه برهان و رفع شبهه است تا زمینه بازگشت به حقیقت فراهم شود. بنابراین در مواجهه با افراد شکاک، مسئولیت سلبی در رهایی وی از تردید و شک است که این با مسئولیت ایجابی و استدلال و برهان امکان‌پذیر است. فرد مؤمن تکلیف اخلاقی دارد که با منطق و برهان، زمینه رفع تردید را فراهم کند. این مسئولیت ناشی از حق دیگران بر شنیدن حقیقت و نیز مسئولیت اخلاقی در قبال حفظ سلامت فکری جامعه است.

سه. مسئولیت چشم‌پوشی در مواجهه با مخالفت برخاسته از حسادت

گاهی انگیزه مخالفت بر اساس حسادت و تنگ‌نظری است که باید با اغماض برخورد کرد. نمونه روشن این حالت را می‌توان در ماجرای برادران حضرت یوسف علیه السلام مشاهده کرد.

آنان با وجود ظلم و حسادت‌ی که نسبت به برادر خود روا داشتند، به حسادت و خطای خود اعتراف کردند و از این رو با وعدهٔ آمرزش حضرت یوسف علیه السلام روبه‌رو شدند و ایشان با اخلاق کریمانه با آنان رفتار کرد:

﴿قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ أَثَرُكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ * قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ...﴾ (یوسف/۹۱-۹۲)؛ گفتند: به خدا سوگند، خداوند تو را بر ما برتری داد، و ما خطاکار بودیم. [یوسف] گفت: امروز بر شما ملامتی نیست.

همچنین هابیل در برابر حسادت برادرش قابیل، واکنشی اخلاقی و مبتنی بر پرهیز از خشونت نشان داد و گفت:

﴿لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ﴾ (مائده/۲۸)؛ اگر تو دست خود را برای کشتن من دراز کنی، من دست به سوی تو دراز نمی‌کنم تا تو را بکشم.

انسان در مواجهه با انگیزه‌های برخاسته از حسادت و تنگ‌نظری باید بکوشد تا همچون آن‌ها غیر اخلاقی رفتار نکند، بلکه مسئولیت چشم‌پوشی و خطاپوشی از چنین افرادی را دارد. عفو در اینجا یک فضیلت انسانی متعالی است که از قدرت اخلاقی عامل سرچشمه می‌گیرد. مسئولیت چشم‌پوشی هنگامی الزام‌آور است که در اخلاق بینافردی و خطا ناشی از ضعف نفس باشد؛ اما در صورتی که در اخلاق کلان یا براساس دشمنی ساختاری و برنامه‌ریزی شده باشد، دستور به عفو نیست، بلکه باید سنجیده شود که آیا امکان بازگشت و اصلاح وجود دارد؟ آیا عفو به تکرار خطا می‌انجامد؟ و پرسش‌های تحلیلی دیگری که باید بدان‌ها پرداخته شود.

چهار. مسئولیتِ إعراض در برابر مخالفت برای منافع مادی

برخی افراد، به دلیل حفظ منافع، موقعیت اجتماعی یا دلبستگی‌های دنیوی، حفظ موقعیت و رفاه و کامیابی‌های مادی، در برابر حق مقاومت یا مخالفت می‌کنند. در این موارد، مسئولیت انسان پس از اتمام حجت، ترک گفت‌وگو و بی‌اعتنایی است. دستور آیات قرآن کریم در این موارد، مسئولیت ﴿ذَرُّهُمْ﴾ (انعام/۹۱؛ آنان را به حال خود واگذار) و ﴿فَاعْرِضْ عَنْهُمْ﴾ (مائده/۴۲، نساء/۶۳ و ۸۱؛ از آنان روی گردان و دوری کن) است. شاید

یکی از دلیل‌ها و حکمت‌های این نوع از مواجهه و مسئولیت، بی‌اثر کردن تحرکات مادی‌گرایان است. اِعراض و بی‌اعتنایی در اینجا یک مسئولیت دفاعی عقلانی است. هنگامی که انگیزه مخالفت، منافع مادی صرف باشد، ادامهٔ تعامل اخلاقی، بی‌فایده است و ممکن است به تأیید سودطلبی بینجامد.

پنج. مسئولیتِ مقابلهٔ قاطع در مواجهه با کارشکنی سازمان‌یافته

در مواردی، مخالفت‌ها از سطح فردی فراتر رفته، به شکل فعالیت‌های سازمان‌یافته با هدف تضعیف ایمان مردم بروز می‌کند. این گونه مخالفت، در قالب کارشکنی و هجو و تضعیف ایمان مردم است که برخورد با این گروه را آیات ذیل در قالب برخورد شدید با آنان و قطع رابطه و دستگیری و گاهی دشمنی و مبارزه مسلحانه علیه آن‌ها و اعدام مشخص می‌کنند. قرآن کریم در برابر این گروه، فرمان قاطع به مرزبندی و قطع رابطه می‌دهد. آیاتی از قرآن کریم، این مسئولیت‌ها را مشخص می‌کنند:

﴿إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ﴾ (نساء/ ۱۴۰)؛ و چون بشنوید که به آیات خدا کفر می‌ورزند و آنان را به مسخره می‌گیرند، نباید با آنان بنشینید تا به گفتاری دیگر بپردازند.

﴿لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ﴾ (مائده/ ۵۱)؛ یهود و نصاری را دوست و سرپرست خود نسازید.

﴿أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَفْتِيلًا﴾ (احزاب/ ۶۱)؛ کفار را بگیرید و به شدت به قتل رسانید. ﴿فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ﴾ (بقره/ ۱۹۴)؛ پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان گونه که آنان بر شما تعدی کردند باید با آنان مقابله به مثل کنید.

در این مورد نیز، مسئولیت انسان به حسب عملی که دیگری داشته، متفاوت است. اگر فرد استهزا کرده، باید با وی قطع رابطه کرد و اگر دشمن است باید از ولایت و سلطهٔ وی گریخت و اگر تجاوز کرد، باید در مقابل وی به مقابلهٔ نظامی برخاست. در اینجا قاطعیت، نقض عفو و گذشت نیست، بلکه مسئولیت جایگزین در شرایط خاص است. این مسئولیت مبتنی بر عدالت توزیعی در سطح جامعه است: همان‌گونه که افراد نیکوکار حق

برخورداری از امنیت و آرامش را دارند، جامعه نیز حق محافظت از خود در برابر تخریب را داراست. مقابله قاطع هنگامی یک تکلیف اخلاقی می‌شود که تمام راه‌های اصلاح مسالمت‌آمیز به بن‌بست رسیده باشد.

شش. مسئولیت بخشایش فراگیر به واسطه رحمت و مصلحت اجتماعی

در مواردی از تاریخ اسلام، مانند فتح مکه به دست مسلمانان، شاهدیم که پیامبر «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»، به واسطه غلبه مسلمانان و پشیمانی عموم اهل مکه - هرچند که برخی افراد استثنا شدند - فرمان عفو عمومی و اجتماعی را اعلام کردند و آن روز را «يَوْمُ الْمَرْحَمَةِ» نامیدند.

تحلیل اخلاقی عفو نشان می‌دهد که انواع مواجهه با عفو، متفاوت‌اند و نباید با یکدیگر خلط شوند. «عفو فردی»؛ مانند عفو حضرت یوسف عليه السلام نسبت به برادران خویش و «عفو اجتماعی»؛ مانند عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به اهل مکه متمایز است. عفو در سطح حاکمیتی، تنها یک تکلیف اخلاقی فردی نیست، بلکه ابزار حکمرانی خردمندانه است. عفو حاکمیتی و اجتماعی، اقدامی حکمرانانه و سیاست عمومی با هدف تحکیم انسجام اجتماعی است. معیارهای این عفو، مصلحت عامه، امنیت ملی و تحقق آشتی پایدار است. بنابراین، نمی‌توان الگو و معیارهای یکی را به دیگری تعمیم داد.

آنچه در بخش‌های پیشین طی یک فرایند تحلیلی گام به گام بررسی شد، نشان‌دهنده ساختار نظام‌مند مسئولیت‌محوری در اخلاق اسلامی است. تحلیل آیات و روایات که در چهارچوب الگوی تفکیکی شش‌گانه ارائه شد، هر نوع از مسئولیت را بر اساس نوع رابطه، انگیزه مخالفت، سطح کنش اجتماعی، و پیامدهای اخلاقی و اجتماعی تبیین کرد. جمع‌بندی این شش‌گونه مواجهه در برابر دیگران نشان می‌دهد که در اخلاق اسلامی و بنابر اصل عفو و بخشایش دیگران، باید از دوگانه‌انگاری «خشونت یا تساهل» پرهیز داشت، بلکه مسئولیت انسان در مواجهه با خطای دیگران متفاوت است. باید میان عفو و عدالت توازن داشت. آنچه در اینجا اهمیت دارد، انگیزه و شدت مخالفت آن‌هاست. تنوع دستورات، ناشی از علم خداوند به تفاوت‌های انگیزشی انسان‌هاست.

۳. دلایل هنجارین مسئولیت عفو در اخلاق نقلی

دلایل هنجاری عفو و گذشت از دیگران در اینجا بررسی می‌شوند. این دلایل که بر قرآن و حدیث استوارند، پشتوانه‌های نظری مسئولیت‌پذیری مبتنی بر عفو می‌باشند. در یک نگاه کلان، از منظر «نتیجه‌گرایی»، عفو و مدارا به مثابه ابزارهایی برای گسترش خیر و کاهش شر تبیین می‌شوند. از منظر «وظیفه‌گرایی»، این مفاهیم به عنوان تکالیف الهی و حقوق افراد، الزام‌آور می‌گردند. از منظر «فضیلت‌گرایی»، بر عفو و مدارا به عنوان فضایل انسانی و نشانه‌های تعالی اخلاقی شخصیت مؤمن تأکید قرار می‌شود. این رویکردها، امکان تحلیل نظام‌مند و چندلایه‌ای از مسئولیت‌پذیری اخلاقی در مواجهه با تعارضات را فراهم می‌آورند. در برخی از گزاره‌های دینی، به مفاهیمی مانند مدارا، عفو و گذشت توصیه شده است؛ زیرا دربردارنده نتایجی برای خود و دیگران هستند. مسئولیت‌هایی هستند که الزام و پشتوانه‌های مصلحت‌گرایانه و سودگرایانه در جامعه دارند و زندگی را برای افراد جامعه، زیستنی‌تر نموده، همزیستی مسالمت‌آمیز ایجاد می‌کنند. در مواردی هم به وظیفه و حق دیگران اشاره شده است. در مواردی هم این مفاهیم را می‌توان فضیلتی اخلاقی دانست که برآمده از مهارت‌ها و عادات اخلاقی هستند که براساس کف نفس و مهارت‌ها و غضبیه و نیز خویش‌داری در فرد فضیلت‌مند حاصل می‌گردند.

عامل اخلاقی، ناظر به نتایج، مسئولیت گذشت از دیگران را دارد؛ زیرا عفو و گذشت از دیگران، نتایجی برای عامل اخلاقی دارد که ناظر به آن‌ها به مسئولیت عفو و گذشت توصیه شده است. از جمله اینکه باعث سلامت دین و دنیا می‌گردد؛ موجب می‌شود که فرد از آسیب و مکر دیگری در امان بماند؛ عیوب فرد پنهان می‌ماند؛ اختیاردار دیگران می‌شود؛ دوستانش افزون و دشمنانش اندک می‌گردند و به افزایش عزت فرد می‌انجامد.

در آیه ذیل توصیه شده که عامل اخلاقی، بدی را به نیکی دفع کند. این گونه از رفتار با مردم موجب می‌شود که دشمنی به دوستی مبدل گردد. در اینجا، عامل اخلاقی مسئولیت دفع بدی و شر را دارد:

﴿وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ

حَمِيمٌ» (فصلت/ ۳۴)؛ خوبی و بدی برابر نیستند. همواره به نیکوترین وجهی پاسخ ده تا کسی که میان تو و او دشمنی است، چون دوستِ مهربان تو گردد.

«دیگری» در اینجا تنها افراد عادی یا مسلمانان نیستند؛ هرچند که به طریق اولویت، باید از خطای مسلمان دیگر هم گذشت،^۱ بلکه در بسیاری از موارد «دیگری» شامل دشمنان هم می‌شود. این به‌ویژه در ادبیات روایی درخصوص مدارا وجود دارد و براساس آن باید به دنبال رفتار پیشگیرانه بود؛ رفتاری که از آسیب و ضرر جلوگیری می‌کند. انسان مسئولیت دارد که با دشمنان هم مدارا کند؛ زیرا این کار از بهترین صدقه‌هایی است که انسان می‌فرستد. در این نگاه، هرکه با دشمنان مدارا کند، از جنگ در امان می‌ماند.^۲

در آیات سوره شوری، درهم‌تنیدگی میان جزا و پاداش و محبت الهی وجود دارد. خداوند متعال پاداش دهنده کسی است که در قبال دیگران عفو و گذشت کند. چنین فردی، مزدش با خداوند است:

﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ (شوری/ ۴۰)؛ سزای هر بدی، بدی‌ای است همانند آن. پس، کسی که گذشت کند و آشتی ورزد مزدش با خداست. او ستمکاران را دوست ندارد.

در برخی آیات، چندمنظر و تعلیل برای مسئولیت عفو و گذشت از دیگران وجود دارد؛ از جمله اینکه در آیات سوره آل عمران، از منظری، به نیاز و استحقاق دیگری توجه داشته و به فضیلت تقوا دست یافته‌اند و از منظری، به امر الهی و تعلق محبت و نیکی خداوند به چنین افرادی توجه شده است؛ چه اینکه خداوند کسانی را که نیکوکار باشند، دوست دارد:

۱. رسول الله ﷺ: «مَنْ أَقَالَ مُسْلِمًا عَثْرَتُهُ أَقَالَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۷/ ۴۵۹)؛ هر که خطای مسلمانی را ببخشد، خداوند در روز رستاخیز خطای او را ببخشد.

۲. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ مُدَارَاةَ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنْ أَفْضَلِ صَدَقَةِ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَإِخْوَانِهِ» (همان، ۱۰/ ۴)؛ مدارا کردن با دشمنان خدا از بهترین صدقه‌هایی است که انسان برای خود و برادرانش می‌دهد.

امام علی علیه السلام: «مَنْ ذَارَى أَعْدَاةَ أَمْنِ الْمُحَارِبِ» (همان‌جا)؛ هر که با دشمنان خود مدارا کند، از جنگجو در امان ماند.

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾
(آل عمران/ ۱۳۴)؛ [پرهیزکاران] کسانی [هستند] که در توانگری و تنگدستی انفاق می کنند و خشم خود را فرو می خورند و از خطای مردم در می گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. همچنین در آیاتی خداوند متعال به پیامبرش دستور می دهد که در برابر مخالفت و تعصب قومشان، ملایمت و محبت نشان دهد و از گناهان آن ها صرف نظر کند و آن ها را ببخشد، به گونه ای که حتی توأم با ملامت هم نباشد: ﴿فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾. خداوند آسمان ها و زمین را به حق و به مقتضای حکمت آفرید: ﴿إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ و قیامت که محل مشاهده سزا و نتایج اعمال انسان است، نزدیک می باشد: ﴿وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ﴾.

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾
(حجر/ ۸۵)؛ آسمان ها و زمین و آنچه را که میان آن هاست جز به حق نیافریدیم و بی تردید قیامت فرا می رسد. پس گذشت کن، گذشتی نیکو.

در آیه دیگری از سوره آل عمران، هرچند یک سری دستورات اخلاقی برای جامعه بیان شده است، شأن نزول آیه درباره زمان شکست مسلمانان در جنگ أحد است؛ جنگی که مسلمانان به واسطه فقدان مسئولیت پذیری، شکست خورده بودند و هر یک از آنان در آتش افسوس و ندامت می سوختند و از پیامبر عذرخواهی می کردند. این آیه دستور به عفو می دهد:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ﴾
(آل عمران/ ۱۵۹)؛ پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند؛ بنابراین از آنان گذشت کن. در آیه دیگری از سوره نور، قرآن کریم به مسئولیت عفو و بخشایش میان یکدیگر توصیه می کند و از افراد می خواهد تا همان گونه که خودشان دوست دارند که خداوند از خطاهایشان درگذرد، آن ها نیز نسبت به یکدیگر، عفو و گذشت نمایند. در اینجا به نوعی توجه به خود در کنار توجه به محبت و بخشایش خداوند متعال وجود دارد. البته معیار و الگوی اصلی، خداوند متعال است:

﴿وَلَا يَأْتِلُ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ

لِيَغْفُورُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نور/ ۲۲)؛ توانگران و آنان که گشایشی در کار آن‌هاست، نباید سوگند بخورند که به خویشاوندان و مسکینان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند. باید ببخشند و ببخشایند. آیا نمی‌خواهید که خدا شما را بیامرزد؟ و خداست آمرزنده مهربان.

یا در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿إِنْ تَبَدُّوا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوهُ أَوْ تُعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا﴾ (نساء/ ۱۴۹)؛ اگر کار نیکی را به آشکار انجام دهید یا در نهان، یا از کرداری ناپسند درگذرید، خدا ببخشاینده و تواناست. در برخی روایات نیز عفو و گذشت از دیگری، ادبیات حق‌گرایانه دارد؛ حقی است که انسان باید به دیگران - حتی فردی که بدی کرده است - بدهد و از او درگذرد؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «عفو و گذشت، سزاوارترین چیزی است که به آن عمل می‌شود»^۱. البته این حق تا هنگامی پابرجاست که عفو، زیان‌بار نباشد.

امام زین العابدین علیه‌السلام: «حَقٌّ مِنْ أَسْأَاءِكَ أَنْ تَعْفُو عَنْهُ، وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّ الْعَفْوَ عَنْهُ يَضُرُّ انْتَصَرْتَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿وَلَمَنْ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ﴾ (شوری/ ۴۱)» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۷۰/۲؛ همو، ۱۴۱۳: ۶۲۵/۲)؛ حق کسی که به تو بدی کند، این است که از او درگذری، ولی اگر دانستی که گذشت از او زیان‌بار است، آن‌گاه انتقام بگیر. خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «بر کسانی که پس از ستمی که بر آن‌ها رفته باشد انتقام می‌گیرند، ملامتی نیست».

امام خمینی رحمته‌الله در شرح حدیث «جنود عقل و جهل» بیان می‌کنند که مفاهیمی مانند مصاحبت، رفاقت، رفق و مدارا از «جَلَوَاتِ رحمتِ رحمانیه و شئونِ آن است». «تمام قلوب عائله بشری به حسب فطرت، مخمور به رَحْم است، و عالم نقشه رحمتِ رحمانیه است». در این دیدگاه، لازمه حب الهی، رفاقت با مخلوقات الهی است. «محبت به آثار و خلائق است» (خمینی، ۱۳۸۲: ۳۱۸).

۱. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «الْعَفْوُ أَحَقُّ مَا عُمِلَ بِهِ» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۴۵۹/۷؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۵۷۹).

در بسیاری از روایات اخلاقی نیز عفو به عنوان مکارم و فضایل اخلاقی برشمرده شده‌اند. این قبیل مفاهیم، از جمله مکارم و خصلت‌های دنیا و آخرت هستند:

* «عفو، تاج خصلت‌های والای انسانی است».^۱

* «در اوج قدرت است که فضیلت عفو و گذشت آشکار می‌شود».^۲

* «از خصلت‌های ارزشمند دنیا و آخرت این است که انسان از کسی که به وی ستم کرده، گذشت کند و به کسی که از وی بریده، پیوندد و در قبال کسی که رفتار جاهلانه داشته، بردباری ورزد».^۳

اقتضای فضیلت «جوانمردی و مروت» الگوهای اخلاقی و اسوه‌های دینی مثل اهل بیت علیهم‌السلام این بوده است که از کسی که به آن‌ها ستم کرده نیز گذشت می‌کرده‌اند.^۴ برخی اخلاق پژوهان مسلمان نیز رویکردی فضیلت‌گرایانه به مفاهیمی مانند عفو داشته‌اند؛ چنان‌که از منظر غزالی و فیض کاشانی، عفو یک فضیلت اخلاقی در مقابل رذیلت کینه و خشم است و اخلاق نیکو فقط از طریق مغلوب کردن نیروی خشم و شهوت و نگاه داشتن آن‌ها در حد اعتدال به دست می‌آید (غزالی، بی‌تا: ۱۱۹-۱۲۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۳۱۷/۵-۳۱۹). نراقیین نیز عفو و بخشایش را ضد انتقام دانسته‌اند. مدارا نیز نزدیک به رفق بوده، همان صفتی است که انسان را به مراتب والا می‌رساند (نراقی، ۱۳۷۸: ۲۴۷-۲۵۱؛ نراقی، بی‌تا: ۳۴۱/۱-۳۳۷).

جمع بندی

در اخلاق اسلامی مبتنی بر قرآن و حدیث، عفو و گذشت از دیگران، تنها فضیلت

۱. امام علی علیه‌السلام: «العَفْوُ تَاجُ الْمَكَارِمِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۰؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۴۶۰/۷).

۲. امام علی علیه‌السلام: «عِنْدَ كَمَالِ الْقُدْرَةِ تَظْهَرُ فَضِيلَةُ الْعَفْوِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۵۵).

۳. امام صادق علیه‌السلام: «ثَلَاثٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ، وَتَحْلِمُ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۷۸/۳).

۴. امام صادق علیه‌السلام: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ مُرُوثْنَا الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۱: ۲۸۹).

شخصی یا صفت درونی یا توصیف اخلاقی نیست، بلکه به مثابه مسئولیتی چندسطحی در حوزه دینی، اخلاقی و اجتماعی است که وابسته به موقعیت، ماهیت و انگیزه طرف مقابل و پیامدهای رفتاری، می‌تواند شکل‌های گوناگون به خود بگیرد. در منظومه اخلاق اسلامی، اصل اولیه بر عفو و اصلاح است؛ اما این اطلاق ندارد و بدون مرز نیست، بلکه مشروط و مقید به این است که موجب گسترش شر و ظلم نشود. نقطه تعادل اخلاقی، در عفو توأم با اصلاح است. تحلیل قرآن کریم نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اخلاقی در برابر تعارضات اجتماعی، بسته به نوع انگیزه و شدت مخالفت، متفاوت است. آیات قرآن طیفی از واکنش‌ها - از عفو و گفت‌وگوی عقلانی تا قاطعیت و مقابله - را تجویز می‌کند. بنابراین، اسلام نه اخلاق تساهل مطلق را می‌پذیرد و نه خشونت بی‌قید را تأیید می‌کند، بلکه چهارچوبی پویا و مرحله‌ای برای مواجهه با خطا و تعارض ارائه می‌دهد. در این منظر باید انگیزه‌ها را شناخت و مبتنی بر آن است که مسئولیت‌های انسان متفاوت می‌گردد. در مواردی باید دعوت، گفت‌وگو، هم‌زیستی و اصلاح داشت؛ اما این اصل در مقابل مراحل پیش‌رونده دشمنی با حق، به تدریج محدود شده، درنهایت، جای خود را به مرزبندی، قطع رابطه و گاه مقابله می‌دهد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، اعطای عفو تابع معیارهای عینی و ارزیابی‌پذیر است که می‌تواند تصمیم‌گیری اخلاقی در موقعیت‌های تعارض را نظام‌مند کند. این معیارها عبارت‌اند از: ۱. شناسایی انگیزه مخالفت (جهل، شک، حسادت، منفعت‌طلبی و عداوت)؛ ۲. سنجش پیامدهای اجتماعی عفو (آیا به بی‌عدالتی یا تضعیف ارزش‌ها می‌انجامد؟)؛ ۳. تمایز نوع حق تعرض دیده (حق الله، حق الناس و حق النفس)؛ ۴. ارزیابی ظرفیت اصلاح‌پذیری خطاکار؛ ۵. تحلیل موقعیت قدرت طرفین: عفو در موقعیت قدرت، فضیلتی برتر، و در موقعیت ضعف، مشروط به تثبیت نشدن ظلم است.

در تعارض میان سطح فردی با سطح اجتماعی، اولویت با مسئولیت اجتماعی است. همچنین در تعارض عفو با اصل بنیادین عدالت، باید توجه به این سطح فردی و اجتماعی داشت. در سطح خطاهای فردی، عفو و گذشتی که به انگیزه اصلاح باشد بر

انتقام و جبران اولویت دارد؛ اما در سطح اجتماعی، به ویژه در مواردی که مصلحت عمومی نقض می‌گردد، عدالت بر عفو مقدم است.

عفو در اخلاق اسلامی در دو سطح متمایز ظهور می‌یابد که نباید با یکدیگر خلط شوند:
الف. عفو فردی که واکنش شخصی به خطای فردی است و در دامنه روابط بینافردی معنا می‌یابد. نمونه‌ی اعلا‌ی آن، عفو حضرت یوسف علیه السلام از برادران است که با انگیزه‌ی اصلاح رابطه‌ی خانوادگی و رشد اخلاقی آنان صورت گرفت. معیار اصلی در این سطح، امکان ترمیم رابطه بدون تجزیه‌ی خطاکار است.

ب. عفو حاکمیتی / اجتماعی: این اقدامی حکمرانانه و سیاست عمومی برای مدیریت گذارهای جمعی است. نمونه‌ی برجسته‌ی آن، عفو عمومی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فتح مکه است که با هدف تحکیم انسجام اجتماعی، پایان دادن به چرخه‌ی خشونت و تثبیت حاکمیت ایمانی اجرا شد. معیارهای این عفو، مصلحت عامه، امنیت ملی و تحقق آشتی پایدار است. تفاوت بنیادین در اینجا چنین است که عفو فردی از حق النفس (حق شخصی) نشئت می‌گیرد، در حالی که عفو حاکمیتی از حق الله و مصالح جمعی سرچشمه می‌گیرد. اولی اختیاری و دومی سیاستی است. بنابراین، نمی‌توان الگو و معیارهای یکی را به دیگری تعمیم داد. عفو در سطح حاکمیتی، تنها یک تکلیف اخلاقی فردی نیست، بلکه ابزار حکمرانی خردمندانه است.

این پژوهش میان عفو فردی (ناظر به حق النفس و روابط بین شخصی) و عفو حاکمیتی (ناظر به مصالح عامه و نظم عمومی) تمایز قائل شد. برای تعیین تکرار ظلم، شاخص‌هایی چون تعدد مشابه، فقدان نشانه‌های اصلاح، و الگوسازی منفی پیشنهاد می‌شود. تشخیص مصلحت عمومی نیز بر اساس چهار شاخص عینی امنیتی، اعتماد عمومی، بازدارندگی و انسجام اجتماعی امکان‌پذیر است.

دلایل هنجاری برای مفاهیمی مانند مدارا و عفو نیز متفاوت است. گاهی مصلحت‌گرایانه و سودمندانه است؛ مانند مواردی که به گذشت و نرمش با دیگران به سبب آثار فردی و اجتماعی مثبت (هم‌زیستی، آرامش، کاهش دشمنی، گسترش

محبت، سلامت دین و دنیا) توصیه می‌شود. گاهی تکلیف‌محور و وظیفه‌گرایانه است؛ مانند مواردی که به عنوان «حقّ دیگران» یا «وظیفه الهی» بر عهده فرد دانسته شده است. گاهی هم مبتنی بر فضیلت‌محوری است؛ مانند مواردی که عفو و گذشت از دیگران نشانه خویشتن‌داری، کفّ نفس و تعالی اخلاقی فرد است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عفو و گذشت از دیگران را در منظومه اخلاق اسلامی اگر به مثابه مسئولیت اخلاقی ملاحظه کنیم، دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. سلسله‌مراتب: مسئولیت‌های اخلاقی بر اساس شدت مخالفت و نوع رابطه، در سطوح مختلفی قرار می‌گیرند.

۲. تناسب‌گرایی: هر نوع پاسخ اخلاقی باید متناسب با انگیزه مخالفت باشد.

۳. هدفمندی: عفو و گذشت از دیگران ابزاری برای تحقق اهداف والاتر (تعالی فردی، انسجام اجتماعی، صیانت دینی) می‌باشند.

۴. چندبُعدی بودن: هر تصمیم اخلاقی باید هم‌زمان ابعاد فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی را در نظر گیرد.

این الگو نشان می‌دهد که اخلاق اسلامی نه خشونت مطلق را تأیید می‌کند و نه تساهل بی‌قید را، بلکه مسیر میانه خردمندانه‌ای را ارائه می‌دهد که در عین التزام به اصول ثابت اخلاقی، در تطبیق بر مصادیق از انعطاف موقعیتی برخوردار است.

سطح کنش اجتماعی	نوع رابطه / انگیزه مخالفت	موضع قرآنی - اخلاقی	شرایط تحقق عفو و مدارا	پیامد اخلاقی	پیامد اجتماعی
میان فردی	مؤمنان با یکدیگر	عفو و گذشت (رحماء بینهم)	در صورتی که موجب تکرار ظلم نشود	تحکیم اخوت، فروخوردن خشم	انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل
میان فردی	جاهلان (مخالفت از)	صبر، حلم، مدارا	با هدف تربیت و الگوسازی	الگوی اخلاقی،	ارتقای فرهنگ مدارا

	روی نادانی)		مهار خشونت	
میان فردی	حسودان و تنگ نظران	چشم پوشی (مانند یوسف و برادرانش)	گذشت کریمانه	بازسازی پیوندهای آسیب دیده
میان گروهی	شکاکان و شبهه افکنان	استدلال، رفع شبهه	تقویت ایمان، عقلانیت دینی	جلوگیری از انحراف فکری
میان گروهی	منفعت طلبان و دنیاگرایان	اعراض و بی اعتنائی (فأعرض عنهم)	رهایی از درگیری بی فایده	بی اثر شدن تحریکات مادی
میان گروهی/ ساختاری	کافران غیرمحارب و اهل کتاب	مدارای مشروط، هم زیستی	ایجاد حسن ظن	هم زیستی مسالمت آمیز
میان گروهی/ ساختاری	منافقان	قاطعیت، مدارا نکردن	صیانت ایمانی	جلوگیری از بحران درونی

برای تبدیل یافته های نظری این پژوهش به راهنمای عملی، می توان الگوی زیر را پیشنهاد داد:

۱. تشخیص سطح رابطه: طرف مقابل در کدام دسته قرار می گیرد؟ (دوستانه: برادر ایمانی؛ تعاملی: غیرمسلمان صلح جو؛ خصمانه: منافق یا محارب).
۲. تحلیل انگیزه خطا: انگیزه اصلی خطا چیست؟ جهل/نادانی، شک/تردید، حسادت/ضعف نفس، منفعت طلبی مادی، کارشکنی، دشمنی اعتقادی.
۳. ارزیابی پیامدها (فردی، بینافردی، اجتماعی)؛ پیامد احتمالی عفو، آسیب به یک فرد یا تجری خطاکار است یا اینکه آسیب اجتماعی و تهدید امنیت عمومی است؟

۴. تعیین نوع حقّ نقض‌شده: چه نوع حقی ضایع شده است؟ (حقّ النفس، حقّ الناس، حقّ الله)؛

۵. سنجش ظرفیت اصلاح‌پذیری: آیا نشانه‌هایی از بازگشت و اصلاح وجود دارد؟ (عذرخواهی، جبران خسارت، عدم تکرار خطا و...)

منابع

کتاب‌ها

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *الأمالی*، کتابچی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *الخصال*، تحقیق علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۵. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)*، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح سید مهدی رجایی، دار الکتاب الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۷. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، قم، ۱۳۸۲ ش.
۸. غزالی، محمد بن محمد، *احیاء علوم الدین*، دار الکتاب العربی، بی‌جا، بی‌تا.
۹. فرانکنا، ویلیام کی، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، کتاب طه، قم، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *المحجة البیضاء*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. کراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، تصحیح عبد الله نعمة، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، مؤسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق.
۱۳. محمدی ری‌شهری، محمد، *میزان الحکمة*، مؤسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث، قم، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی* (تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی، *معراج السعادة*، هجرت، قم، ۱۳۷۸ ش.

۱۶. نراقی، مهدی بن ابی‌ذر، *جامع السعادات*، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، بی‌تا.

مقالات

۱۷. حسین، عارف، «اصول تربیتی عفو و تغافل در سیره و اندیشه تربیتی امام سجاد (علیه السلام)»، *تأمل*، سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ش، ص ۴۷-۶۲.
 ۱۸. حیدری‌راد، طیبه، «ساختار معنایی واژه قرآنی «عفو» با تکیه بر اشتقاق کبیر»، *مطالعات تفسیری آلاء الرحمن*، شماره ۶ (قدیم)، تابستان ۱۳۹۸ش، ص ۴۳-۶۸.
 ۱۹. طیب حسینی، سید محمود و راضیه مشک مسجدی، «تحلیلی درباره عفو الهی از پیامبر بر محور آیه ۴۳ سوره توبه»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۷۷، ۱۳۹۴ش، ص ۲۲-۴۵.
 ۲۰. غفارزاده، علی، «بررسی تفسیری آیات عفو و صفح از اهل کتاب»، *مطالعات تفسیری*، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۳ش، ص ۷-۳۰.
 ۲۱. نصیری، سمیه، منصور امیرزاده جیرکلی و رضا حق‌پناه، «تبیینی از کارکرد تربیتی توبه و عفو محکوم از دیدگاه روایات اسلامی»، *پژوهش‌های اخلاقی*، شماره ۵۹، بهار ۱۴۰۴ش، ص ۴۰۵-۴۲۲.
 ۲۲. نوروزی اقبالی، محمدجواد و حسن سعیدی، «شبکه معنایی مفاهیم اخلاقی اغماض، عفو و صفح در قرآن»، *مطالعات میان‌رشته‌ای اخلاقی*، شماره ۱، ۱۴۰۴ش، ص ۲۲۱-۲۴۲.
- <https://doi.org/10.48308/jiethics.2025.239829.1007>.